

ایستاره هفت

سال سی و یکم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۱۸۱

۱۸۱
دوماهنامه ایستاره هفت

سال سی و یکم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹

نسخه خوانی (۱۹) | زبان شاهنامه و «برسری خوانی» |

هویت واقعی عطار تونی | کتابسازی سه چندان!!! | نسخه شناسی

مصاحف قرآنی (۷) | معرفی و بررسی کهن ترین نسخه شناخته شده

رساله ذکریه | پابزرگ ۱۸ | فرمانروایان «مصرع برجسته» | سهام و دیار و

ابن هنبال: خلق شخصیت های خیالی در برگردانی از جستاری کلامی

رسول جعفریان | جویا جهان بخش | سید محمد حسین حکیم | مرتضی کریمی نیا

سلمان ساکت | ملیحه گزی مارشک | جواد بشری | سعید پورعظیمی | حمید عطائی نظری

فرمانروایان «مصرع برجسته»

۲۵۵-۲۷۸

چکیده: گزیده اشعار سبک هندی اثر علیرضا ذکاوتی قرآزلو که مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۲ منتشر کرد نخستین گزیده سبک هندی در ایران بود. اثری که دایره منتخبات سبک هندی را از سروده‌های صائب و کلیم فراتر برد و از دیگر گویندگان و سخنورانی ناشناخته‌تر در این شیوه شعرهایی درخشان ارائه داد. در این نوشتار سخن بر سر چاپ دوم و صورت مفصل و بازنگریسته کتاب گزیده اشعار سبک هندی یعنی کتاب مجموعه خیال است؛ برگزیده غزلیات چهل و شش شاعر از بابا فغانی شیرازی تا صفاءالحق همدانی که در سال ۱۳۹۷ از سوی انتشارات فرهنگ نشر نو منتشر شد.

در نوشتار پیش رو نخست به مخالفان و موافقان سبک هندی پرداخته شده و سپس به معرفی گزیده‌ها از سروده‌های شاعران سبک هندی از کتاب منتخبات اشعار صائب تبریزی اثر حیدرعلی کمالی اصفهانی (تاریخ نشر: ۱۳۵۵) و دیگر منتخبات تا سال ۱۳۹۷ و نقد و ارزیابی کتاب مجموعه خیال. در این بخش ضمن تبیین اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از حمله مغول و استیلای صفویان، ویژگی‌های اسلوب هندی و اوج و فرود این سبک به بحث گذاشته شده است.

از مهم‌ترین مزیت‌های مجموعه خیال در مقایسه با دیگر گزیده‌های سبک هندی این است که بینش فلسفی مؤلف سنجه اصلی در برگزیدن شعرها بوده و مؤلف کوشیده با تأمل و تأکید ویژه بر تفکر فردی و اجتماعی هر شاعر، «فردیت» و خصیصه‌های سبکی و فکری آنان را آشکار کند.

کلیدواژه‌ها: مجموعه خیال، گزیده سبک هندی، سبک هندی، صائب تبریزی، معرفی کتاب.

مجموعه خیال (برگزیده غزلیات چهل و شش شاعر از بابا فغانی شیرازی تا صفاءالحق همدانی)، گزینش و ویرایش علیرضا ذکاوتی قرآزلو، تهران، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، چاپ اول: ۱۳۹۷، ۹۰۰ صفحه.

The Rulers of «Barjaste¹ Hemistich»

By: Sa'id Poor Azimi

Abstract: *A Selection of Indian Style Poems* by Alireza Zakavati Gharagozlou, published by the University Publishing Center in 1372, was the first selection of Indian style poetry in Iran. A work that in its selection of Indian style poems went beyond Saib and Kaleem's poems, and presented other brilliant poems in this style from some unknown poets. In this article, we are talking about the second edition and the detailed and revised version of *A Selection of Indian Style Poems* that is *Majmoo'eye Khial* (a Collection of *Fantasies*). This new book includes selected ghazals of forty six poets from Baba Faghani Shirazi to Safa' al -Haq Hamedani, and was published by Nashrenow publishing house in 1397.

The following article first deals with the opponents and proponents of the Indian style, and then discusses some excerpts from the poems of Indian style poets from the book *A Selection of Saib Tabrizi's poems* by Heidar Ali Kamali Isfahani (published in 1305) and other selections published up to 1397. Finally it is going to criticize and evaluate the book *Majmoo'eye Khial* (a Collection of *Fantasies*). In this section, while explaining the political and social situation in Iran after the Mongol invasion and Safavid despair, the characteristics of the Indian style and the ups and downs of this style are discussed. One of the most important advantages of the this collection compared to other selections of the Indian style is that the author's philosophical insight was the main criteria in choosing the poems, and the author has tried to reveal the «individuality» as well as stylistic and intellectual characteristics of each poet by reflecting on their individual and social thinking.

Key words: *Majmoo'eye Khial* (a Collection of *Fantasies*), a selection of Indian style, Indian style, Saib Tabrizi, book report.

رؤساء (المصرع البارز)
سعيد پور عظيمي

الخلاصة: تعتبر كُريده اشعار سبک هندی (= منتخبات شعرية من السبک الهندي) التي ألفها علي رضا ذكاوتي قراگزلو ونشرها مركز النشر الجامعي سنة ۱۳۷۲ شمسية، أول منتخبات من السبک الهندي في إيران، وهي المنتخبات التي وسعت دائرة منتخبات السبک الهندي ولم تقتصر على قصائد صائب وكليم، بل امتدت لتشتمل على غيرهما من الشعراء والمخطباء المجهولين في هذا النوع من الشعر المتألق.

والحديث في هذا المقال يتناول الطبعة الثانية المفضلة والمنقحة من كتاب كُريده اشعار سبک هندی، أي كتاب مجموعه خيال (= مجموعة الخيال) الذي يتضمّن منتخبات من غزليات سبّ وأربعين شاعراً من بابا فغانی الشيرازي إلى صفاء الحقّ الهمداني، والذي صدر سنة ۱۳۹۷ شمسية عن انتشارات فرهنگ نشر نو (= انتشارات ثقافة النشر الجديد).

يبدأ المقال الحالي بالحديث عن معارضي ومؤيدي السبک الهندي، ثمّ ينتقل للتعريف بمنتخبات من قصائد شعراء السبک الهندي من كتاب منتخبات اشعار صائب التبريزي الذي ألفه حيدر علي كمالی الأصفهاني، والذي صدر سنة ۱۳۰۵، وغيره من المنتخبات الصادرة حتى سنة ۱۳۹۷، إضافةً إلى نقد وتقييم كتاب مجموعه خيال.

وضمن استعراضه للأوضاع السياسية والاجتماعية في إيران بعد الحملة المغولية واستيلاء الصفويين على الحكم، يشير الكاتب في هذا القسم من المقال إلى خصائص الأسلوب الهندي وتآلق وضمور هذا السبک الشعري.

ومن أهمّ ما تمتاز به مجموعه خيال عن غيرها من منتخبات السبک الهندي أنّ النظرة الفلسفية للمؤلف كانت هي المعيار الأساس في انتخاب الأشعار، حيث سعى المؤلف من خلال التأمل والتأكيد الشديد على التفكير الفردي والاجتماعي لكل شاعر إلى بيان فريدة ذلك الشاعر ومزاياه الأسلوبية والفكرية بكل وضوح.

المفردات الأساسية: مجموعه خيال، منتخبات السبک الهندي، السبک الهندي، صائب التبريزي، تعريف الكتاب.

1. This kind of hemistich is the most significant hemistich throughout the poem in which the poet tries to reveal the best of himself.

شماری از آثار به دلایلی گوناگون نزد محققان جایگاهی ویژه می‌یابند و در حیطه‌ای خاص «دوران ساز» یا «نقطه آغاز» یا «نقطه عطف» خوانده می‌شوند؛ آثاری که ذوق هنری و ادبی را در چنگ خود می‌گیرند، بر نسل‌هایی فرمان می‌رانند و فرم و محتوایشان سرمشق تحقیقات و روش‌ها و آفرینش‌ها در ادوار بعد می‌گردد؛ یکی بود یکی نبود محمدعلی جمال‌زاده، بوف کور صادق هدایت، افسانه نیما یوشیج، هوای تازه احمد شاملو، سخن و سخنوران بدیع‌الزمان فروزانفر و سیر حکمت در اروپای محمدعلی فروغی^۱ - کتابی که انگیزه‌های تألیفش هوشمندی نویسنده بی‌بدیل آن را آشکار می‌کند - نمونه‌ای اعلای آثاری در زمینه داستان و شعر و تحقیقات ادبی و فلسفه‌اند که در ایران قرن بیستم درخشیدند و الگو شدند. آثاری دیگر در مراتبی نازل‌تر اثربخش شدند و متن‌هایی متروک را به جریان مباحثات ادبی آوردند. کتابی که حیدرعلی کمالی اصفهانی (۱۲۵۰ - ۱۳۲۸ ش)^۲ بیش از نُه دهه پیش با عنوان منتخبات اشعار صائب تبریزی (تهران، مطبعه کل قشون، به‌مبشرت کتابخانه شرق، بهمن‌ماه ۱۳۰۵ / تهران، کلاله خاور، ۱۳۰۵) منتشر کرد نخستین گزیده از آثار شاعران «طرز تازه» بود^۳ و از این نظر «نقطه آغاز» پرداختن به میراث پُر حجم سه قرن شعر فارسی. نخستین بار محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) اصطلاح مناقشه‌برانگیز «سبک هندی» را برای این جریان ادبی به کار برد^۴ و کمالی نیز - احتمالاً به پیروی از او - در همین کتاب صائب را پیشوای «سبک هندی» خواند.^۵ مجادلته ادیبان بر سر «هندی» یا «اصفهانی» خواندن این سبک دهه‌هاست که ادامه دارد؛ از جانب دیگر، آشنایان این طریق با تفکیک میان دو گونه ایرانی و هندی این اسلوب، اطلاق نام «سبک هندی» بر جریان‌های متنوع شعری آن قرون و گنجاندن زاده‌های طبع صائب و طالب و کلیم و عرفی و نظیری و ظهوری در کنار مضمون‌بندی‌های پیچیده بیدل و غالب و ناصرعلی سرهنندی و شوکت بخارایی را برنتافته و ناشی از ناآگاهی می‌دانند.^۶

کتاب کمالی «سبک هندی» یا «اصفهانی» را دوباره به صحنه آورد، تک‌بیت‌هایی از صائب را در دهان‌ها انداخت و شعر دوستان و ادیبان را به تأمل در سروده‌های میرزا محمدعلی صائب تبریزی، در مقام پرچمدار این شیوه، فراخواند. ناگفته نماند که پیش از او محمدعلی تربیت، برای نخستین بار در قرن اخیر به دفاع از شیوه شعری و ستایش مقام صائب برخاست؛ او را «متنبی ایران» خواند و نوشت:

۱. جلد نخست در سال ۱۳۱۰ در مطبعه مجلس انتشار یافت و جلد‌های دوم و سوم به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰.
۲. از شاعران و روزنامه‌نگاران مشروطه‌خواه و مؤسس روزنامه پیکار (ارگان حزب اجتماع‌یون اعتدالیون) بود که در دوره‌های نهم و دهم به نمایندگی از نیشابور به مجلس شورای ملی رفت.
۳. محمود عرفان در یادداشتی با عنوان «منتخبات صائب» مژده انتشار این کتاب را به اهالی فرهنگ داد و نوشت: «صائب با اینکه مضامین بدیع و منحصر به خود دارد در ایران شهرتی که سزاوار اوست ندارد. کمالی صائب را از زاویه گمنامی بیرون آورده و او را چنان‌که شایسته مقام اوست به فارسی‌زبانان معرفی نموده است.» (آینده، سال اول، شماره دوازدهم، مهر ۱۳۰۵، صص ۷۱۹-۷۲۱). مقدمه کتاب منتخبات اشعار صائب تبریزی ابتدا در همین شماره مجله آینده انتشار یافت. (صص ۷۳۱-۷۴۱).
۴. تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۹۹۳.
۵. بنگرید به: «سبک هندی»، محمود فتوحی، دانشنامه زبان و ادب فارسی جلد سوم، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ص ۵۹۷.
۶. همان، ص ۶۰۳.

«هر شعرش مناسب مقال و موافق مقامی است و اکثر ابیاتش به مقام ضرب المثل رسیده و جای حیرت است که چنین شاعری در مملکت ایران، الحال شهرتی ندارد» و ادبای «بازگشتی» را عاملان گمنام ماندن صائب معرفی کرد.^۷

صادق رضازاده شفق «مطابق دستور وزارت جلیلۀ معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» تاریخ ادبیات در ایران (مخصوص مدارس متوسطه) را نوشت که در سال ۱۳۱۳ علی اکبر سلیمی آن را در تهران منتشر کرد. شفق در فصلی از این کتاب عصر صفوی را «عصر انحطاط ادبی ایران» نامید؛ اما «اشعار نغز خوشایند» صائب و وحشی بافقی و کلیم همدانی را ستود (ص ۱۸۰) و از اهلی شیرازی و زلالی خوانساری و ظهیری نیشابوری و ظهوری ترشیزی و طالب آملی و فیضی دکنی یاد کرد. (صص ۱۸۵-۱۸۹).

سبک هندی مخالفانی در اندازه‌های ملک الشعرای بهار و فروزانفر داشت که معتقد بودند شکوه شعر فارسی در پایان قرن هشتم و نهم به سرآمد.^۸ در این چشم‌انداز، وسعت مشرب و زیبایی شناسی بدون ایدئولوژی شاعران سبک هندی مورد التفات نیست؛ و شعر نه ابزار لذت‌آفرینی که رسانه‌ی درباری است یا عامل دینامیسم اجتماعی همچون شاهنامه‌فردوسی. دیدگاهی یکسونگر که مکتبی حائز اهمیت و چند خُرده‌مکتب در تاریخ ادبیات ایران را نادیده می‌گرفت و به دلیل شأن و اعتبار مخالفان خراسان زده‌اش بر کرسی می‌نشست. «فصاحت و هیمنه‌الفاظ» در کانون شعرشناسی ادبای نامدار عصر رضاشاه و نظریه‌پردازان و پیروان بازگشت ادبی جای داشت. رضاقلی خان هدایت نام تذکره‌اش را مجمع‌الفصحاح گذاشت، تنها شش بیت از صائب آورد و با پنج سطر از احوال او گذشت و شعرش را «غریب و ناپسندیده»^۹ خواند، درباره‌ی کلیم دو سطر نوشت^{۱۰} و از ذکر نام و نشان سایر سرآمدان آن سبک پرهیز کرد. خیزش ادبی «بازگشتیان» سبک وقوعی و هندی را به دلیل برانداختن رویه‌ی حافظ و مولوی - که نماینده‌ی اهل تسنن عثمانی بود - و روی‌گردانی از «کالبدهای پولادین شعر» کهن زیر ضربات سهمگین «طعنه» و «تحقیر» خُرد کرد و به حاشیه‌راند؛ اما سخن‌سازان مکتب بازگشت که سودای پیروی از سعدی و حافظ و احیای شیوه‌ی بزرگان سبک خراسانی و عراقی را در سرمی‌پروراندند در مواردی خواسته یا ناخواسته به باباغانی شیرازی و نظیری نیشابوری بازگشتند و تمام غزل‌های باباغانی و ردیف و قافیه‌های او را استقبال کردند. در هند اگرچه فی‌المثل محمدحسین قتیل لاهوری (۱۱۷۲-۱۲۳۳ هجری قمری) غزل‌هایی ساده و وقوعی سرود - چنان‌که به سعدی وقت یا سعدی

۷. «صائب تبریزی»، گنجینه‌ی معارف، اول حوت ۱۳۰۱، شماره‌های ۳-۵، صص ۱-۱۰.

۸. سخنرانی ملک‌الشعرا بهار با نام «بازگشت ادبی» که در «انجمن ادبی دانشکده» ایراد شد در پنج شماره‌ی مجله‌ی ارمان منتشر شد: چهار بخش در سال ۱۳۱۱؛ بخش نخست: سال سیزدهم، صص ۴۴۱-۴۴۹ / بخش دوم: صص ۵۱۹-۵۲۶ / بخش سوم: صص ۷۱۳-۷۲۰ / بخش چهارم: صص ۷۴۸-۷۵۲. و یک بخش در سال ۱۳۱۲: سال چهاردهم، فروردین ۱۳۱۲، شماره ۱، صص ۵۷-۶۱. بهار در این نطق مفضل به سختی به سبک هندی تاخت.

۹. مجمع‌الفصحاح، رضاقلی‌خان هدایت، به‌کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، جلد دوم، ص ۷۵.

۱۰. همان، جلد دوم، ص ۹۰.

شاعران هند شهرت یافت - "سبک هندی نیمه جان ادامه داشت. در دربار ایران روزگاران زندیه و قاجاریه شعرهای دشوار نیازمند درک و تأمل خریداری نداشت و غزل‌های مشتاق و هاتف و سروش و فروغی که با همراهی دستگاه‌های موسیقی شور و حال می‌آفرید طلب می‌شد؛ اما در دربار هند نه غزل مناسب آوازخوانی، که «مضمون باریک» در اولویت بود؛ این روایت منتخب اللطائف دربارهٔ صلۀ جهان آرا بیگم به میرصیدی طهرانی تفاوت دو دربار را نشان می‌دهد:

مسطور است روزی جهان آرا بیگم، بنت شاه جهان، برای تماشای باغ می‌رفت. میرصیدی بر سر راه بالای بام اقامت داشت. وقتی که فیل سواری بیگم متصل آمد، به آواز بلند این بیت خواند:

برقع به رخ افکنده برد ناز به باغش تا نکه‌ت گل بیخته آید به دماغش

بیگم شنیده پانصد روپیه عنایت کرد. بعضی گویند پنج هزار روپیه امداد فرمود.^{۱۲}

منتخبات شعرائب

در سال‌های بعد منتخباتی دیگر از ابیات صائب منتشر شد که هر کدام از دریچۀ ذوق ادبی برگزینندگان گذشته بود. سال ۱۳۱۷ جعفر آزمون کتابی با عنوان زبدهٔ اشعار صائب تبریزی، شامل هزار و دو بیست بیت در مشهد به صورت سرب چاپ کرد.^{۱۳} سه سال بعد، زین العابدین مؤتمن شش هزار بیت اشعار برگزیدهٔ صائب را در بنگاه مطبوعاتی افشاری به چاپ سپرد. این کتاب در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۳ با نام گلچین صائب به صورت چاپ سنگی از سوی همین ناشر به طبع رسید.^{۱۴}

سال ۱۳۳۱ محسن رمضانی گزیده‌ای دیگر از شعرائب با نام صائب سخن می‌گوید گردآوری کرد. (تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ سنگی، قطع جیبی)

با انتشار دیوان صائب در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۶ و ۱۳۴۵ سبک هندی از انزوا درآمد و حتی به دانشکده‌های ادبیات راه یافت.^{۱۵}

سال ۱۳۴۶ مهدی سهیلی، شاعر و نویسندهٔ عوام‌پسند، کلیم را هم کنار صائب نشاناند و کتابی تحت عنوان شاهکارهای صائب تبریزی و کلیم کاشانی (تهران، انتشارات محمدعلی علمی) به فهرست

۱۱. تذکرۀ نشت عشق، حسین قلی خان عظیم‌آبادی، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۱، جلد اول، ص ۱۲۹۸.

۱۲. منتخب اللطائف، رحمة‌علی خان ایمان، تصحیح و توضیح: حسین علیزاده و مهدی علیزاده، تهران، طهوری، ۱۳۸۶، ص ۴۰۲. نیز بنگرید به: سراج‌الدین علی خان (آرزو)، تذکرۀ مجمع‌النفائس، به کوشش مهنور محمدخان، با همکاری زینب النساء علی‌خان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، جلد دوم، ۱۳۸۵ شمسی / ۱۴۲۷ قمری، صص ۹۲۷-۹۲۸.

۱۳. چاپ دوم در سال ۱۳۲۸ از سوی انتشارات دانشگاه تبریز و چاپ سوم در سال ۱۳۳۴ با عنوان اشعار برگزیدهٔ صائب تبریزی (شامل دو هزار و پانصد بیت از بهترین و جذاب‌ترین اشعار از دیوان مفضل وی) با مقدمهٔ دکتر نصرالله کاسمی در کتابخانهٔ خیام تهران طبع شد.

۱۴. چاپ سوم شامل قریب ۲۴۴۵ بیت در ۱۸۵ موضوع است.

۱۵. کلیات صائب تبریزی، مقدمه و شرح‌حال به قلم امیری فیروزکوهی، تهران، خیام، ۱۳۳۳؛ ویرایش دوم: ۱۳۳۶؛ دیوان صائب (با حواشی و تصحیح به خط خود آن استاد)، مقدمه و شرح‌حال به خط و خامهٔ امیری فیروزکوهی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵.

گزیده‌های سبک هندی افزود.

سال ۱۳۴۷ خلیل سامانی دبیر «انجمن ادبی صائب» که با تخلص «موج» شعر می‌سرود و باغ صائب (نشریه ماهانه این انجمن) را اداره می‌کرد مجموعه‌ای از شاه‌بیت‌های صائب را در گلچین باغ صائب فراهم آورد که از سوی انتشارات همان انجمن در تهران چاپ سربی شد.

با دستیاب شدن نسخه‌های خطی تازه و چاپ علمی و منقح آثار بسیاری از شاعران سبک هندی، میراث فرهنگی این شاعران به پژوهش‌های ادبی راه یافت؛ اما شعر صائب همچنان بی‌رقیب ماند و به دو دلیل بیش از سایر شاعران این «طریق» گزیده‌هایی از تک‌بیت‌ها و بیت‌الغزل‌های او فراهم آمد: نخست جایگاه بلامنازع او در این شیوه و دوم حجم عظیم دیوانش با شش هزار و نهصد و نود و پنج غزل و چهل و پنج قصیده و سروده‌هایی دیگر که مجموعه‌شان را بیش از صد هزار بیت دانسته‌اند. این ارقام حیرت‌زا نشان می‌دهد که عمر هفتاد ساله‌اش را یک نفس صرف جست‌وجوی «معانی بیگانه» و اعجاب‌انگیز کرده و از این حیث نیز در میان سرایندگان فارسی‌زبان بر صدر نشست. معتبرترین چاپ دیوانش قریب هفتاد و چهار هزار بیت دارد. ادوارد براون او را بزرگ‌ترین شاعر سده یازدهم خواند و در تاریخ ادبیاتش نوشت: «به نظرم تنها کسی است که در این کتاب، لایق شرح مفصل است.»^{۱۶}

نخستین گزیده شعر صائب که با شرح و تفسیری سزاوار تحسین انتشار یافت دویست و یک غزل صائب (تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶) به انتخاب امیربانو کریمی بود. پدرش، سید کریم امیری فیروزکوهی، سودایی صائب بود و او را برترین غزل‌سرای زبان فارسی در سراسر اعصار می‌دانست.^{۱۷} کریمی با تعلیقات سودمند و دقیق و گره‌گشایی از ابیات دشوار صائب تبخّر و شناخت گسترده خود از سبک هندی و شعر صائب را نشان داد.

گزیده اشعار صائب تبریزی با انتخاب و شرح جعفر شعار، زین العابدین مؤتمن و با مقدمه حسن انوری دوازدهمین کتاب از «مجموعه ادب فارسی» است که سال ۱۳۶۹ از سوی چاپ و نشر بنیاد منتشر شد.

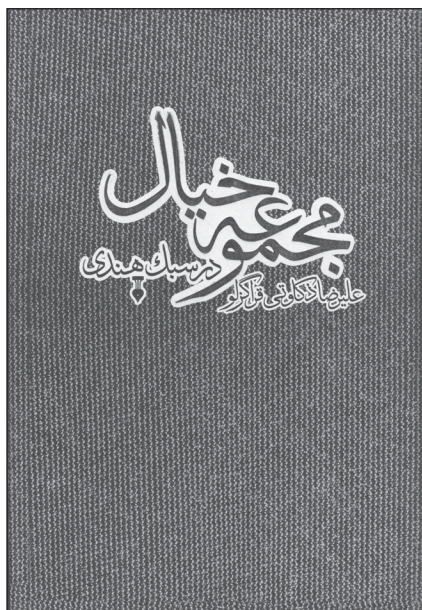
سال ۱۳۷۱ محمد قهرمان صد و هشتاد غزل صائب و شماری تک‌بیت از او را در مجموعه رنگین گل (از مجموعه میراث ادب فارسی، شماره ۵) با تعلیقاتی عالمانه به چاپ سپرد. این کتاب و دویست و یک غزل صائب به سبب آشنایی عمیق مؤلفانشان با سبک هندی و جایگاهشان در صائب‌شناسی بهترین گزیده‌ها و شروح شعر صائب در ایرانند.

تا حدود بررسی‌های نگارنده خلوت خیال اثر محمد قهرمان^{۱۸} آخرین گزیده شعر صائب (با پنج هزار و

۱۶. تاریخ ادبیات ایران (از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر)، ادوارد براون، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۵۷، جلد ۴، ص ۱۸۹.

۱۷. بنگرید به: «صائب و پدرم امیری فیروزکوهی»، فرهنگ اصفهان، آبان ۱۳۸۱، صص ۱۷-۱۸.

۱۸. خلوت خیال (غزلیات و ابیات برگزیده مولانا صائب تبریزی)، به‌کوشش محمد قهرمان، تهران، انتشارات شاهنامه‌پژوهی، ۱۳۸۱.



هشتصد و نود و شش بیت) است که محقق صاحب نام فراهم آورده.

یادکرد منتخبات سبک هندی بدون کاروان هند^{۱۹} احمد گلچین معانی ناتمام خواهد بود؛ کتابی محققانه «در احوال شاعران عصر صفوی که به هندوستان رفته اند». کاروان هند از آن دست تألیفاتی است که می‌تواند سرچشمه و دروازه پژوهش‌های متنوع باشد و تنها برگزیده‌ای ارزشمند از نثر و نظم سبک هندی نیست؛ «مؤلف با بینش انتقادی و دیده‌وری ادیبانه ضبط‌های تاریخی، لغوی و جغرافیایی مآخذ را بررسی کرده و نقل کارآمد دو قرن نظم و نثر فارسی را با نقد توأمان داشته و نه تنها ضبط‌ها و التباس‌ها و لغزش‌های بسیاری از تذکره‌نگاران را تصحیح می‌کند؛ بلکه بر فرهنگ سخنوران عبدالرسول خیامپور ده‌ها مدخل و عنوان دیگر را اضافه می‌کند و نخستین گامی است که فقط گونه ایرانی سبک هندی در شعر فارسی را نشان می‌دهد.»^{۲۰}

نخستین گزیده سبک هندی در ایران

گزیده اشعار سبک هندی اثر علیرضا ذکاوتی قراگزلو که مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۲ منتشر کرد «نقطه آغاز» آثاری است که دایره منتخبات سبک هندی را از سروده‌های صائب و کلیم فراتر برد و از دیگر گویندگان و سخنورانی ناشناخته‌تر در این شیوه شعرهایی درخشان ارائه داد.^{۲۱} شمار ابیات هر شاعر و مجموعه کل ابیات در کتاب نیامده است. فهرست شاعران و شماره ابیات برگزیده‌شان در جدول زیر دیده می‌شود:

شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر
۴۴	ناصرعلی سرنندی	۹۷	نظیری نیشابوری	۱۴۳	میرصیدی طهرانی	۵۲۶	عبدالقادر بیدل
۳۸	شوکت بخاری	۹۲	غالب دهلوی	۱۳۳	ظهوری ترشیزی	۵۲۴	عرفی شیرازی
۳۶	محمد باقر حسینی	۸۴	واعظ قزوینی	۱۲۷	علینقی کمره‌ای	۲۷۵	صائب تبریزی

۱۹. کاروان هند، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

۲۰. نجیب مایل هروی، «با کاروان هند از کاروان هند»، آینه پژوهش، دوره سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۷۱، صص ۳۵-۴۷.

۲۱. سال ۱۳۲۹ شمسی / ۱۹۵۰ میلادی چاپخانه دین محمدی در لاهور پاکستان کتابی با عنوان ارمغان پاک از شیخ محمد اکرام منتشر کرد که برگزیده‌ای از شعرهای پارسی‌گویان شبه قاره هند و پاکستان از قرن پنجم هجری تا اقبال لاهوری بود. این کتاب سال ۱۳۳۳ با مقدمه سعید نفیسی، در تهران و در مطبوعه کانون معرفت بازنشر شد. در این گزیده شعرهایی از عرفی شیرازی، فیضی دکنی، نظیری نیشابوری، ظهوری، طالب آملی، منیر لاهوری، قدسی مشهدی، کلیم همدانی، غنی کشمیری، ناصرعلی سرهنندی، نعمت‌خان عالی، بیدل دهلوی، حزین لاهیجی و غالب دهلوی آمده بود.

شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر
۳۴	حزین لاهیجی	۷۱	فیاض لاهیجی	۱۲۳	نعمت خان عالی	۲۴۰	کلیم همدانی
۲۹	صوفی مازندرانی	۶۹	قدسی مشهدی	۱۱۸	شفایی اصفهانی	۱۹۰	سلیم طهرانی
مجموع ابیات: ۳۶۴۷		۵۰	میرزا جلال اسیر	۱۱۸	طالب آملی	۱۷۴	فیضی دکنی
		۴۴	غنی کشمیری	۱۰۰	آفرین لاهوری	۱۶۸	داراب بیگ جویا

شش سال بعد محمد قهرمان یازده هزار بیت از سخن سریان شیوه هندی را تحت عنوان صیادان معنی با اشاره به فضل تقدّم علیرضا ذکاوتی قراگزلو منتشر کرد.

فهرست الفبایی نام شاعران در کتاب صیادان معنی				
نادم لاهیجی	فضلای گلپایگانی	شفایی اصفهانی	حزین لاهیجی	اتریشیرازی
ناظم هروی	فطرت مشهدی	شوقی ساوجی	دانش مشهدی	احسن
نجات اصفهانی	فغفور لاهیجی	صامت اصفهانی	درکی قمی	اسیر شهرستانی
نجیب کاشانی	فیاض لاهیجی	صائب تبریزی	راقم مشهدی	الهی اسدآبادی
نظام دست‌غیب	قاسم مشهدی	صدیدی طهرانی	رفیع مهدی	اشرف مازندرانی
نظیری نیشابوری	قدسی مشهدی	طالب آملی	سابق اصفهانی	امتی تربتی
نوعی خوبشانی	کلیم همدانی	طغرای مشهدی	سالک قزوینی	اوجی نطنزی
واعظ قزوینی	مسیح کاشانی	عالی شیرازی	سالک یزدی	بیدل عظیم‌آبادی
وحید قزوینی	مشرقی مشهدی	عشق	سایر مشهدی	تأثیر تبریزی
شمار شاعران: ۵۳ تن	معصوم کاشانی	غنی کشمیری	سلیم طهرانی	تنهای قمی
	منصف طهرانی	فصیحی هروی	شاپور طهرانی	حاجی گیلانی

ارزیابی پست و بلند سخن و انتخاب شعر عملی ناقدانه است و گذشته از دانش و خردمندی و ذوق سخنه در حُسن انتخاب گاه سلیقه و اقتضای حال و شخصیت برگزیننده معیار می‌شود. ذکاوتی ۱۳۳ بیت از ظهوری ترشیزی آورده، ۴۴ بیت از ناصرعلی سهرندی (سهرندی، سرنندی)، ۱۶۸ بیت از داراب بیگ جویا (جویای تبریزی) و ۳۶ بیت از میرزا محمدباقر حسینی؛ اما قهرمان نوشته: «برخی از شعرا از جمله ظهوری ترشیزی، روح‌الامین شهرستانی، ناصرعلی سهرندی، جویای تبریزی، میرزا محمدباقر حسینی و صفی‌قلی بیگ چرکس را فرو گذاشته‌ام؛ زیرا شعرشان چنگی به دل من انتخاب‌کننده نمی‌زده است.» (صیادان معنی، مقدمه، ص ۹).

مجموعه خیال

در این نوشتار سخن بر سر چاپ دوم و صورت مفصل و بازنگریسته کتاب گزیده اشعار سبک هندی

یعنی کتاب مجموعه خیال است. ذکاوتی در چاپ دوم کتابش شعریست شاعر دیگر را نیز در کتاب جای داد:

شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر	شمار ابیات	شاعر
۴۹	شوکت بخاری	۱۲۰	طالب آملی	۱۷۷	فیضی دکنی	۵۳۲	عبدالقادر بیدل
۴۵	غنی کشمیری	۱۱۷	شفایی اصفهانی	۱۷۰	نجیب کاشانی	۵۲۹	عرفی شیرازی
۴۴	صفاء الحق همدانی	۱۰۰	آفرین لاهوری	۱۶۸	داراب بیگ جويا	۳۷۶	سالک قزوینی
۴۴	ناصرعلی سرندي	۹۷	نظیری نیشابوری	۱۶۳	شفیعی شیرازی	۳۵۸	محسن تأثیر
۳۸	اقبال لاهوری	۹۴	غالب دهلوی	۱۵۹	اشرف مازندرانی	۲۸۹	سیدای نَسفی
۳۵	محمد باقر حسینی	۸۴	واعظ قزوینی	۱۴۳	میرصدی طهرانی	۲۷۶	صائب تبریزی
۳۴	حزین لاهیجی	۷۱	فیاض لاهیجی	۱۳۵	مخلص کاشانی	۲۴۳	ناظم هروی
۳۴	زلالی خوانساری	۶۹	قدسی مشهدی	۱۳۳	ظهوری ترشیزی	۲۴۰	کلیم همدانی
۳۲	وحشی بافقی	۶۳	فصیحی هروی	۱۳۲	شاپور طهرانی	۲۲۰	دانش مشهدی
۲۹	صوفی مازندرانی	۶۳	قتیل لاهوری	۱۳۰	قصاب کاشانی	۱۸۹	سلیم طهرانی
مجموع ابیات: ۶۷۵۲		۶۰	واقف لاهوری	۱۲۷	علینقی کمره‌ای	۱۸۴	بابا فغانی شیرازی
		۵۰	میرزا جلال اسیر	۱۲۳	نعمت خان عالی	۱۸۴	سنجر کاشانی

نام کتاب از این بیت بابا فغانی شیرازی گرفته شده است:

ما بهر ساقیان دلِ فرزانه سوختیم «مجموعه خیال» به میخانه سوختیم^{۲۲}

خواندن کتابی گزین شده از سبک هندی با ابیاتی مسحورکننده تجربه‌ای شگفت است. شاعران این سبک می‌کوشند کتابخانه‌ای را در یک «مصرع بلند»^{۲۳} / «برجسته»^{۲۴} / «عالی» / «رنگین» / «جهانگیر» / «مشهور» / «حُسن» / «شکفته» و... بریزند. شاعرانی باریک بین که میدان تخیلشان معطوف به نظریه‌یابی برای مضمون پردازی‌های نازک اندیشانه و استعاره‌آفرینی‌هایی است که گاه چنان پیچیده و معماگونه می‌شود که دریافت معنی را بسیار دشوار می‌گرداند:

۲۲. دیوان بابا فغانی شیرازی، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۱۶، ص ۱۵۷.
 ۲۳. آهم چوسرودر چمن روزگار ماند / این «مصرع بلند» ز ما یادگار ماند. بیت از ملا میراجری یزدی است (تذکره نصرآبادی، میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، چاپخانه ارمان، ۱۳۱۷، ص ۲۹۳).
 ۲۴. «فرمانروای مصرع برجسته می‌شود / صائب به هر که مشق سخن می‌کنیم ما» (دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۳۸۰). «ارباب سخن راز سخن نام بلند است / از مصرع برجسته خلف تپسری نیست» (دیوان نعمت خان عالی شیرازی، مطبع منشی تول کشور، ۱۸۸۱ م، ص ۸۰)؛ «آن چنان کز نبض جستن زنده می‌باشد سخن / هر سخن را جان به تن از مصرع برجسته است» و «زنده ز مضمون بلند است شعر / نبض سخن معنی برجسته است» (دیوان محسن تأثیر تبریزی، تصحیح امین پاشا جلالی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۳ و ۳۹۱). مصرع برجسته در تعریف شاعران و ادیبان عصر صفوی مصرعی است که «در حافظه‌ها ماندگار می‌شود، با یک دیوان پهلو می‌زند و با یک عمر برابری است، بر سر زبان‌ها جاری می‌شود، بدیهه است و تند و گذرا به ذهن شاعر درمی‌آید، آفرینش آن دشوار و نفس گیر است، پیچیده است و به سادگی فهمیده نمی‌شود و چنان مستقل است که بی نیاز از مصرع دیگر است.» (بنگرید به: «مصرع برجسته: میدان نازک اندیشی در سبک هندی»، محمود فتوحی، نامه فرهنگستان (ویژه شبه قاره)، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶، صص ۷-۲۴).

فهمیدنی ست معنی نازک نه دیدنی از بس که چهره بندی این کار نازک است

(مجموعه خیال، سالک قزوینی، ص ۳۸۹)

آنان میانه‌ای با «رازورزی» های سمبولیستی سبک عراقی نداشتند، ذهنشان در جست‌وجوی مضامین نیسته می‌سوخت و آرمانشان «مسئله‌پردازی» های بغرنجی بود که حلش در گرو تأملات مغز فرساست. در این «تنگ میدان» اندیشه گسترش نمی‌یابد و در یک مصرع یا یک بیت محصور می‌شود. شاعربه «زور فکر» گرهی می‌افکند که خواننده دانا می‌باید با کنار هم نهادن شبکه‌ای از اشارات و تصاویر آن را بگشاید و نکته‌های سر بسته را دریابد. شعرهای خواجه حسین ثنایی خراسانی (ثنایی مشهدی) آنقدر غامض و مشتمل بر «معانی غریبه و نکات عجیبه» بود که انتقاد و اعتراض تذکره‌نگاران و شاعران هم عصرش را برمی‌انگیخت^{۲۵} و کسانی به خاطر فهم شعرا و بر خود می‌بالیدند؛ زیرا «بسکه دقت فکر دارد اکثر ابیاتش محتاج به شرح و بیان است»^{۲۶}

تحول در «شیوه بیان معنی» با تسری عواطف و حالات و روحیات انسانی به اشیاء و عناصر طبیعت در بافتی تقابلی و مضمون‌پردازی‌های تازه و شگفت‌انگیز و تشبیهات و استعارات غریب که خواننده را مبهور می‌کند، اساس اسلوب هندی است. «شبهات سبک هندی با مکتب رمانتیسیم در همین جا به اوج می‌رسد. در هر دو مکتب، شاعر ذهنیت و احساس خود را به طبیعت گسترش می‌دهد و با این ذهنیت در اجزاء طبیعت تصرفات خیالی صورت می‌دهد»^{۲۷} اما این روش معنی تراشی استعاره‌بنیاد، به سبب غلبه «ذهنیت» بر «عینیت» حامل اندیشه‌های عمیق تودر تو و تأویل طلب نیست و از احساسات و عواطف فردی فراتر نمی‌رود. بیان ناوردی‌ها و «جنبانیدن حلقه اقبال ناممکن» در چهار بیت زیر از زلالی خوانساری و شاپور طهرانی و کلیم همدانی هرگز نمی‌تواند گستره‌ای بشری داشته باشد و به رغم زیبایی و ظرافت تصویر، در سطح می‌ماند:

همّت بین که وقت شیبخون احتیاج
امیدهای گشته به پیش دعا بریم

(مجموعه خیال، ص ۱۰۷)

پی رسیدن فیض اثر به وصل دعا
به گریه سحرم انتظار می‌خندد

(همان، ص ۲۰۹)

ناتوان در کعبه کوی تو می‌گردد دلم
چون دعای ناروا سرگشته در محراب‌ها

(همان، ص ۲۳۹)

۲۵. عبدالباقی نهبانندی در ستایش شعرا و نوشته: «چندان ابداع معانی غریبه و نکات عجیبه که او کرده هیچ‌یک از متأخرین نکرده» (مآثر رحیمی، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته، ۱۰۲۵هـ / ۱۹۳۱م، جلد سوم، ص ۳۵۶) و منتقدان شعرا و «اهل حسد و نفاق و پست فطرت و کوتاه طبیعت» نامیده که «قدرت فهمیدن اشعار ایشان نداشتند» (همانجا).

۲۶. مجمع‌الخواص، صادقی کتابدار، ترجمه عبدالرسول خیامپور، تبریز، چاپخانه اختر شمال، ۱۳۲۷، ص ۱۴۹.

۲۷. بلاغت تصویر، محمود فتوحی، تهران، سخن، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷.

اثر اگر نبود با دعای من سهل است همین بس است که شرمندۀ اجابت نیست

(همان، ص ۳۲۰)

اشاره به یک نکته ضروری است: بحث درباره نظام فکری یا منظومۀ اندیشگانی گروهی از شاعران گاه ممکن است به صدور احکامی کلان و نادرست بینجامد؛ چنانکه نداشتن اندیشه عمیق در معنای وسعت معرفت و بیکرانگی افق‌های نگرش - که در سطرهای پیشین از آن سخن گفتیم - در میان شاعران همین سبک در باب صائب و بیدل و شوکت بخاری و برخی دیگر درست نیست. دستیابی به ژرفای تفکر بیدل و درک جهان لایتناهی اش بسیار صعب و حتی ناممکن است و شگفتی و بیکرانگی عجیب اندیشه شوکت بخاری ذهن را رها نمی‌کند.

یورش مغولان و تاران ساختارهای جامعۀ ایران را در ساحات مختلف فروپاشاند، و با اضمحلال روان قومی، ارزش‌های ملی و میهنی را درهم شکست. تألم ناشی از کشتارهای وحشیانه و ویرانی برجای مانده از این تاراج مهیب، در ذهن و ضمیر ایرانیان رسوخ کرد و در ادوار بعد با تداوم کشمکش‌های خونین و بی‌سرانجام و تخریب روح جمعی، هرکس به گوشه‌ای خزید و شاهد نتایج فاجعه‌بار سیاست‌های نابخردانه شد.

ظهور شاه اسماعیل یکم مناسبات قدرت را دگرگون کرد. شالودۀ حکومت شاهی که در چهارده سالگی به تخت نشست بر «دیانت» و «ملیت» استوار شد. او چنان در ترویج تشیع امامیه اثنی عشریه سازش‌ناپذیر بود که مخالفانش فرجامی جز مرگ و زجر و گریزنداشتند.^{۲۸} بارقه‌های احیای هویت ملی و رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع، در قامت دولتی استقلال طلب، ایران را در مقابل امپراطوری عثمانی و ازبکان قرار داد. در عصر شاه عباس کبیر، حکومت نیرومند مرکزی با تشکیل سپاه دائمی و بازپس‌گیری و تثبیت مرزها و یکپارچگی ملی اقتدار را به ایران بازگرداند و چشم‌ناظران به شکوه افسانه‌ای پایتخت خیره ماند؛^{۲۹} با این وصف، در سده‌های استیلای سلاطین صفوی بر ایران، تخصیص‌های دینی و سیاسی، تهمت‌های عقیدتی و هراس از برملا شدن باورها به بحران‌های اجتماعی و اغتشاشات جاری در بلاد مختلف دامن زد، زخم‌هایی التیام‌ناپذیر بر پیکرۀ جامعه وارد آورد و این بستر پُراشوب، شیرازۀ نظام اقتصادی را از هم گسیخت. امور از مدار خرد بیرون افتاد، «تقلید و تعصب» قافیه را بر «اندیشه» تنگ کرد و قدرت حاکم با ترویج نظامی «تک‌ساحتی» هر صدای مخالف را خاموش کرد؛ در نتیجه، هنر در چارچوب‌هایی محدود گشت، شعر کانالیزه شد و سکه‌شنا از رونق افتاد. شاعران و هنرمندانی در وطن ماندند و دیگرانی دفتر و توشه برگرفتند و به آرزوی خاطر نوازی و نیکو داشت در دربار

۲۸. «شمشیر خوارچی‌کُش برفراخت و روی زمین از متمزدان برداخت.» (تذکره الاخبار، عبدی بیگ شیرازی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹، ص ۴۱).

۲۹. بنگرید به: ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمۀ کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، صص ۷۴-۹۹.

شاهان و شاهزادگان گورکانی و یا انگیزه‌هایی شخصی عازم هند و سرزمین‌های شرقی شدند تا هم از مهلکه‌ای که تعصب مذهبی به پا کرده بود دور شوند و هم به دور از تحقیر و آزار، آزادانه‌تر کلمات را در قاب افاعیل عروضی پس و پیش کنند و منزلت سنتی از دست رفته‌شان را بازیابند.^{۳۰} بیهوده نبود که صائب مضطربانه می‌پرسید: «از دست رستخیزِ حوادث کجا رویم؟» (همان، ص ۴۸۳) و سلیم طهرانی می‌گفت: «خروش فتنه‌ای از روزگار می‌آید» (همان، ص ۳۰۲) و کلیم همدانی، شاعر هم روزگارش، نیز با او هم‌نویی می‌کرد: «این فتنه‌زای چند زبَد بدتر آورد؟» (همان، ص ۳۳۰). موقعیت هولناک و ناگوار انسان در آن عصر بلاخیز در همین مصراع زلالی خوانساری فشرده شده: «گلی که بر سر نیزه است پنجه شیر است» (همان، ص ۲۰۹) یا این ابیات نظیری نیشابوری:

چمن قربانگه دنیای خون خوار است پنداری دریغا گل که شاخ گلبنش دار است پنداری
چنانم می‌گزد بی او تماشای چمن کردن که شکل غنچه برگلبن سرمار است پنداری
(همان، ص ۵۹۰)

بس خراییم ز یکدیگرمان نشناسند مانده‌ایم از ده غارت زده ویرانی چند
کشته از بس به هم افتاده کفن نتوان کرد فکر خورشید قیامت کن و عریانی چند
(دیوان نظیری نیشابوری، ص ۱۶۳)^{۳۱}

و نیز این بیت صوفی مازندرانی:

بنشسته به زیر آسمان چونانم کستاده به زیر تیغ باشد خونی
(مجموعه خیال، ص ۲۱۷)

سخن‌گزنده نجیب کاشانی در تحمل ناپذیری رنج این جهان شنیدنی است:

یک عذاب جسم خاکی بود کافی در دوگون بار دیگر این قبای کهنه پوشیدن نداشت^{۳۲}
(همان، ص ۵۹۰)

و درد میرزا محمدباقر حسینی از دربند شدن در حصار مصائب هستی:

بسکه تاریک است زندان جهان در چشم من روزن جنت شمارم حلقه زنجیرا
(همان، ص ۴۴۵)

۳۰. بنگرید به: نقد ادبی، عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، جلد اول، صص ۲۵۴-۲۵۸.
۳۱. دیوان نظیری نیشابوری، با مقابله و تصحیح و تنظیم و جمع و تدوین مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر و زوار، ۱۳۴۰. ابیات این غزل زیبای نظیری در مجموعه خیال نیامده و به نظر می‌رسد در برکشیده‌های استاد ذکاوتی جای داشته؛ اما در حروفچینی افتاده است.
۳۲. سنجر کاشانی حشر را بعید دانسته: به این کنیفت بدن بازگشت روح خطاست / رومیده مرغ کی آید به آشیانه خویش؟ (مجموعه خیال، ص ۱۶۸).

شکوه‌هایی از این دست در «فکر نازکِ غمناک»^{۳۳} شاعرانی که در آن قرون زیستند فراوان است. سخن‌سنجانی که اسیر حوادث چرخند و بازیچه دهرِ غدار و نوشنده «خونابه حسرت» (همان، ص ۲۰۸) و «زخم خوردگان تندبادِ حادثه» (همان، ص ۳۸)، جهتم شعله‌ای است از آهشان و آتش کوه طور شرری از دلشان (همان، ص ۲۰۸) و آتش سیاه اندوه و به تعبیر علینقی کمره‌ای «دود مشعلِ فکر» (همان، ص ۱۹۴) از دیوان همه‌شان بلند است. طالب آملی پرسیده بود: «تا کی چودل جنازه حسرت کشم به دوش؟» (همان، ص ۲۳۲) و شفایی اصفهانی نوشته: «شعله دل از گریانم به گردون می‌رود» (همان، ص ۲۶۴). گذشته از وجوه غمگنانه سروده‌های این سبک - که از یک منظر تابعی از «کم رونقی خرد» در آن اعصار است - بسامد ابیاتی در ستایش اندوه در دیوان پاره‌ای از اینان همچون صائب و عرفی شیرازی چنان چشمگیر است که می‌توان این دو تن را «شاعران غم‌پرست» خواند:

مصیبتی دگر است این که مرده دل را چو مرده تی خاکسی به گور نتوان کرد
(همان، صائب، ص ۴۹۲)

یارب آن کس که زند تهمت شادی بر من تا ابد کام دلش لذتِ غم نشناسد
(همان، عرفی، ص ۸۴)

این زخم‌های کاری بر مغز جان مبارک عیدِ شهادتِ ما بر دوستان مبارک
آمد نسیمِ تیغی گل‌های زخم بشکفت این نوبهارِ لذتِ بر باغ جان مبارک
(همان، عرفی، ص ۹۸)

شاعرانی نیز در اصفهان کامیاب شدند و محتشمانه می‌زیستند. قصیده شانی خانِ تکلودر مدح و منقبت حضرت شاه ولایت پناه چنان شاه‌عباس کبیرا منقلب کرد که امر کرد شاعر را در کفه ترازو گذاشته و هم‌وزنش طلا صلّه بدهند.^{۳۴} روزی که شاه و «جمیع امرا» در محله «نیم‌آورد» اصفهان با حکیم شفایی - که لقب ملک الشعرائی داشت - رخ به رخ شدند به تکریم او از اسب پایین آمدند.^{۳۵} ملا حاجی بهرام بخاری به لقب ملک الشعرائی مفتخر گشته بود.^{۳۶}

تا قرن دهم دربار و مدرسه و خانقاه کانون‌های حامی یا ترویج شعر در ایران بودند؛ از قرن یازدهم قهوه‌خانه نیز به این کانون‌ها افزوده و مرکز تعاملات فکری و فرهنگی شد.^{۳۷} از آن پس بازاریان در جوار شاعران

۳۳. تعبیری از سهراب سپهری است در شعر «مسافر» (هشت کتاب، تهران، طهوری، ۱۳۶۳، ص ۳۰۷).

۳۴. عالم‌آرای عباسی، اسکندربیک ترکمان، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰، صص ۵۱۵-۵۱۶.

۳۵. تذکره نصرآبادی، میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، چاپخانه ارمغان، ۱۳۱۷، ص ۲۱۲.

۳۶. همان، ص ۴۳۵.

۳۷. البته گاه قهوه‌خانه‌ها صحنه اشاعه منکرات بود؛ بنگرید به گزارش سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول از تعلیم پسران نابالغ ایرانی و ارمنی و تازه‌مسلمان و گرجی و چرکس (اقوام ساکن شمال غرب قفقاز که در ایران عصر صفوی برده و غلام بودند) در قهوه‌خانه‌ها برای ورزیدگی در «رقص‌های شهوت‌انگیز و شرم‌آور و زدیلت‌های نفرت‌آور... که گاه شیوه رفتارشان از زنان نیز زنده‌تر بود.» (سفرنامه دن گارسیا

درباری و طلبگان و علمای ادیب و دراویش و صوفیان قرار گرفتند و این چنین خیل کثیری از نام جویان بی سواد و فضل نیز به شاعری سربرآوردند. شعر به دست پالان دوز و کله پزو و علاقه بند و میرآخور و رمال و جوله و عصار و سایر عوام الناس افتاد و شاعری پیشه ثانی شیخ و شاب شد؛^{۳۸} چنانکه تعداد «مرتکبین شعر» و صاحبان تخلص در مملکت، تناسب معقولی با شمار نفوس نداشت. این دگرگونی گرچه موجب گسترش و ارتقای فرهنگ عمومی شد؛ خطاهای زبانی و دستوری و سستی هایی دیگر را وارد شعر کرد و با آسیب برپیکره «عمودالشعر»، فصاحت قدمایی پیشین را تقلیل داد. و سواس عمیق شاعرانی با حافظه های شگفت و شعرشناسان ریز و درشت آن ادوار بر انواع انتحال ادبی و میج گیری های موشکافانه از یکدیگر مانع از آن نبود که کسانی در سخن دیگران طمع نیندند؛ زیرا منبع آفرینش شعر، دیگر نه «الهام» که «زور فکر» بود. گسست از ارزش ها و سنت های تاریخی و فرهنگی، افول فرهیختگی، تنزل مراتب درک و دانایی، فقدان جهان بینی شخصی، قحط خلاقیت و نبوغ، غوطه خوردن در منابع محدود و حضور مستمر در کانون های تولید شعر (نظیر قهوه خانه ها) که گاه تجربه فردی را کم رنگ می کرد به سرقت شعر و مضمون ربایی و مشابهت معانی و کهنگی مضمون - که در مصطلحات تذکره نویسان و ناقدان آن روزگار «ابتذال»^{۳۹} نامیده می شد - دامن می زد و جواز تصاحب دفتر و دیوان سرایندگان زنده و مرده را برای پاره ای شاعران و متشاعران آن زمانه صادر می کرد، از یک بیت تا هزاران بیت:

از بس که شعر گفتن شد مبتذل در این عهد لب بستن است اکنون مضمون تازه بستن

(همان، غنی کشمیری، ص ۴۵۶)

در این زمانه غزل های شاعران، عالی به حرف های مکرر شنیده می ماند

(همان، نعمت خان عالی، ص ۴۵۶)

عوام زدگی چیره بر ذوق عمومی در این قرون مجالی به اندیشه و دانش نمی داد و به تعبیر میرصیدی طهرانی عصر بی قدری نجابت بود:

شد نجابت بسکه بی قیمت، نمی افتد ز ابر قطره باران اگر داند که گوهر می شود

(همان، ص ۴۳۵)

ملک الشعراهای زیرگذر و قهوه خانه گاه حتی سنایی و خاقانی و انوری و سعدی را به چاکری آستان سخن خود نیز نمی پذیرفتند! بزرگان «طرز تازه» هم از این مفاخرات متوهمانه دور نبودند:

۳۸. سیلا فیگوروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، صص ۳۴۱-۳۴۳.

۳۸. سام میرزا صفوی در تذکره اش مشاغل شمار انبوهی از این قبیل شعرازان را ذکر کرده است: تحفه سامی، تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹، صص ۲۱۰-۲۹۰.

۳۹. محمد افضل سرخوش (۱۰۵۰-۱۱۲۷ قمری) درباره شاعری به نام قاسم خان دیوانه نوشته: «ابتذال شعر هر کس برمی آورد. گمانش این بود که معنی نابسته نمانده.» (کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، لاهور، ۱۹۴۲ م، حاشیه ص ۳۸؛ نیز بنگرید به: تذکره المعاصرین، حزین لاهیجی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: معصومه سالک، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵، ص ۹۱.

«میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی در حق انوری قطعه گفته که مصراع آخرین است: بر معنی اش بشاش و بر الفاظ او تری!»^{۴۰} ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی (داماد ملاصدرا) در اقرافی شاعرانه ادعا کرده بود: «چار دفتر^{۴۱} شرح یک حرف از کتاب من شود» (همان، ص ۴۶۵). با این وصف، نمی‌توان به دستاویز پسندهای شخصی و انگشت نهادن بر کثرت شاعران نازل، پیچیدگی معانی، دور شدن سخن از رتوریک شکوهمند شاعران فرهمنده قرون کهن، و در مجموع، جمال‌شناسی غرابیت یا به تعبیر صائب «حُسن غریب»،^{۴۲} بر نقش سبک هندی، رقم باطل کشید و شاعران فحلی نظیر صائب و کلیم و عرفی و حزین و نظیری و بیدل و زلالی خوانساری را - که میرداماد مخاطب اصلی شعرش بود - نادیده گرفت و مراتب فضل قاضی سعید قمی و فیاض لاهیجی را انکار کرد. در طول سه قرن، قصیده‌پردازان به ویژه چکامه‌سرایان شاعران حلقه دارالعیار برهان‌پور که تربیت‌یافتگان عبدالرحیم خان‌خانان و حاذق‌گیلانی بودند قصیده‌های ازرقی هروی و خاقانی و انوری و کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و نام‌آوران قرون ششم و هفتم را استادانه استقبال می‌کردند.^{۴۳} امپراطوری زبانی شکل گرفت: شعر فارسی شبه‌قاره را فتح کرد، زبان فارسی زبان رسمی دربار اکبرشاه و جهانگیرشاه شد و از کلکته تا اروپا خواننده یافت، فرهنگ‌نویسی رواج گرفت و تذکره‌نویسان و منتقدان زبده با تتبع در دوایین قدیم و معاصرشان میراث شعر فارسی را نقد و ارزیابی کردند. نقد ادبی چنان رواج یافت و بالید که سخن‌شناسانی بی‌بدیل نظیر غلامعلی آزاد بلگرامی و خان‌آرزو اکبرآبادی سر بر آوردند و می‌توان گفت شگفت‌ترین دوره شعرشناسی در ایران را آفریدند. صائب خود ده‌ها نظریه شعری ارائه داد. از جانب دیگر، فن تصحیح «متن‌های فارسی» رو به گسترش نهاد و آثار پُرشمار به دست ادیبان و نسخه‌شناسان مقابله و تصحیح شد.

مجموعه خیال‌افقی‌هایی از تاریخ اجتماعی و تاریخ اندیشه و تحولات زبانی در سال‌های ۹۰۰-۱۲۰۰ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، نمی‌توان ارزش این کتاب را به گردآوری ابیاتی موردپسند از شاعران «مکتب نازک خیال» فروکاست.

انس پنجاه ساله استاد ذکاوتی با شعر سبک هندی و اهلیت او^{۴۴} سبب شده خواننده اطمینان یابد که

۴۰. خزانه عامره، غلامعلی آزاد بلگرامی، بمبئی، نول کشور، ۱۲۷۱ قمری، ص ۳۰۶.

۴۱. چهار دفتر یا چهار کتاب: تورات، زبور، انجیل، قرآن.

۴۲. اصطلاح «حُسن غریب» در شعر سبک هندی بسیار است. در غربی می‌کند نشو و نما «حُسن غریب» / در وطن پیراهن یوسف به غیر از چاه نیست (دیوان صائب تبریزی، جلد دوم، ص ۶۵۴).

۴۳. بنگرید به: محمود فتوحی، «نقش حلقه ادبی برهان‌پور هند در دگرگونی شعر فارسی در آغاز قرن یازدهم هجری قمری»، ایران‌نامگ، سال سی‌ام، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴، صص ۲۴۰-۲۷۴.

۴۴. تعدادی از مقالات ایشان در این قلمرو: «ادبیات ایران در عصر صفوی و افشاری»، نشر دانش، مرداد و شهریور ۱۳۶۳، شماره ۲۳، صص ۴۶-۴۹. / «تشریح احوال و افکار عرفی شیرازی»، معارف، فروردین - تیر ۱۳۶۴، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۵۰. / «دیوان صیدی طهران»، نشر دانش، بهمن و اسفند ۱۳۶۴، شماره ۳۲، صص ۵۰-۵۱. / «ابوطالب کلیم: شاعر حکیم و طنزآور»، کیهان فرهنگی، خرداد ۱۳۶۵، شماره ۲۷، صص ۲۹-۳۳. / «بحثی در شعر و فکر باباغانی»، معارف، آذر - اسفند ۱۳۶۶، شماره ۱۲، صص ۹۳-۱۱۸. / «دیوان حکیم شفاغی اصفهانی»، نشر دانش، خرداد و تیر ۱۳۶۷، شماره ۴۶، صص ۵۳-۵۵. / «حکیم صفاءالحق همدانی: عارف

شماری از زیباترین سروده‌های این شاعران را می‌خواند و اگر شعرشناسی متبحر از دیوان هریک از این شاعران گزیده‌ای فراهم کند اشتراکات فراوانی با این کتاب خواهد داشت؛ در پیشگفتار می‌خوانیم: «شاعرانی را برگزیده‌ایم که گرایش مهمی را در غزل نشان می‌دهند یا وزن و ارزش والایی بین شاعران سبک مشهور به هندی دارند.» (همان، ص ۱۸) شاخصه انتخاب شعرا هر شاعری که گونه‌ای است که سبک شخصی او را آینگی کند «و با این معیار و ملاک صورت گرفته که ویژگی‌های فکرو زبان آن شاعر و حسن و عیب کار او را نشان دهد» (همان، صص ۱۸-۱۹) و فردیت و تشخص سبکی او را نمایان کند؛ این ویژگی‌گزینش، یکی از خصایص این کتاب نسبت به دیگر گزیده‌هاست.

در غزل سبک هندی گاه تنها یک بیت و گاه نیز سه چهار بیت درخشان به چشم می‌خورد؛ در این گزیده هم تک بیت‌های «برجسته» شاعران آمده و هم ابیات عالی یک غزل و گاه حتی یک غزل کامل.

شاعری نزدیک به سبک هندی نمی‌یابیم که صاحب سروده‌هایی خوش باشد و نامش در کتاب نیامده باشد؛ مثلاً وحشی بافقی از «وقوع‌گویان» است؛ اما مضمون پردازی‌هایش در کتاب آمده.

در جُنگ‌ها و بیاض‌ها و تذکره‌ها تعداد ابیات نقل شده از هر شاعر تریه او را نسبت به سایر رقبایش (دست‌کم در همان کتاب) معین می‌کرد؛ اما از آنجا که ذکاوتی ملاحظاتی دیگری داشته، حجم برگزیده‌ها از محسن تأثیر تبریزی و سیدای نسفی بیش از صائب است و حجم برگزیده‌ها از ناظم هروی بیش از کلیم همدانی. در مجموعه خیال از شاعران ناشناخته‌تر که دیوانشان مهجور بوده شعر بیشتری انتخاب شده؛ زیرا «هدف در درجه اول عرضه برگزیده کارآمد و گویایی است از غزلیات مهم‌ترین شاعران سبک مشهور به هندی.» (همان، ص ۱۹).

نقاط قوت مجموعه خیال را می‌توان چنین برشمرد:

شمار فراوانی از شاعران را در بر می‌گیرد و شاعری اثرگذار در این سبک را نمی‌توان یافت که در کتاب غایب باشد.

ابیات از دیوان‌های شاعران انتخاب شده نه گلچین تذکره‌ها و فقط اشعار قتیل لاهوری از تذکره مخزن الغرائب برگزیده شده؛ زیرا مؤلف دیوان او را در اختیار نداشته است. (ص ۸۶۵).

حضور شاعران ادوار مختلف، سیر تنوع گونه‌های سبکی را نشان می‌دهد.

و هنرمند ناشناخته»، کیهان فرهنگی، دی ۱۳۶۷، شماره ۵۸، صص ۳۹-۴۰. / «نمونه‌ای از نقد ادبی گذشتگان: نکته‌سنجی‌های آزاد بلگرامی درباره کار بردهای عربی در فارسی»، نشر دانش، مهر و آبان ۱۳۶۹، شماره ۶، صص ۴۰-۴۲. / «عرفی جوان: شاعر شور و شگفتی»، کیان، ۱۳۷۰، شماره ۳، صص ۴۲-۴۴. / «دیوان باقر»، نشر دانش، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، شماره ۶۸، صص ۳۶-۳۷. / «نمونه‌هایی از نقد الشعر گذشتگان (برگرفته از خزانه عامره آزاد بلگرامی)»، معارف، مرداد - آبان ۱۳۷۱، شماره ۲۶، صص ۲۵-۴۴. / «در حاشیه مخزن الغرائب»، آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴، شماره ۳۱، صص ۵۲-۵۵. / «تذکره المعاصرین»، آینه پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۵، شماره ۴۰، صص ۳۷-۵۳. / «دیوان اشرف مازندرانی» (ص ۷۰)؛ «کلیات آثار سیدای نسفی» (صص ۷۱-۷۲)؛ «دیوان شفیعی شیرازی» (صص ۷۲-۷۳)، آینه پژوهش، آذر و دی ۱۳۷۵، شماره ۴۱، صص ۶۶-۸۲. / «دیوان میررضی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر ۱۳۷۹، شماره ۳۸، صص ۳۳-۳۳.

برخی داوری‌ها در باب کار و جایگاه شاعران دقیق و تازه است. درباره نظیری نیشابوری و قتیل لاهوری (که محققان او را جزو شاعران سبک هندی نیآورده‌اند) با ارزیابی‌های تازه‌ای مواجهیم. برای نخستین بار شرح حال صفاء الحق همدانی را می‌خوانیم و درمی‌یابیم که مجدد سبک هندی در ایران قرن ما اوست. در ارزیابی شعرها و جایگاه هر شاعر در سلسله سبک هندی فقط به سخن دیگران استناد نشده و قضاوت ذکاوتی در مواردی با داوری محمد قهرمان و ذبیح‌الله صفا و شبلی نعمانی مغایرت دارد.

از نکات ژرف مجموعه خیال که ممکن است از نظر پاره‌ای خوانندگان دور بماند بینش فلسفی مؤلف در انتخاب شعرهاست. تأمل و تأکید ویژه بر تفکر فردی و اجتماعی هر شاعر سنجۀ اصلی ذکاوتی در برگزیدن شعرهاست. طالب آملی شاعری شطّاح است. ابیات زیر نمونه‌ای از شطحیات اوست که در مجموعه خیال آمده است:

به حشر تن به جحیم افکنم نخستین گام دل و دماغ رسن بازي صراطم نیست
(همان، ص ۲۲۹)

همه دیو خیزد ز مذهب‌سرای پری در عذب‌خانه مشرب است
(همان، ص ۲۳۰)

ما نیش کفر در دل ایمان فشرده‌ایم در ساغر عمل می‌عصیان فشرده‌ایم
(همان، ص ۲۳۲)

هیچ کفری در جهان بالاتر از انکار نیست بت پرستان عالمی دارند و ما هم عالمی
(همان، ص ۲۳۳)

هیچ‌کدام از این چهار بیت در تذکره‌های آتشکده‌آذر (ج ۱، ص ۱۶۹)، تذکره نصرآبادی (صص ۲۲۳-۲۲۵)، خزانه عامره (صص ۳۰۰-۳۰۳)، نتایج‌الافکار (صص ۴۳۸-۴۴۱)، تذکره میخانه (صص ۵۴۵-۵۷۰)، تذکره نشت عشق (ج ۱، صص ۹۶۴-۹۷۱)، تذکره شمع انجمن (صص ۲۷۲-۲۷۳) و کاروان هند (صص ۷۵۸-۷۸۳) نیامده‌اند. بیت نخست در تذکره‌های عرفات‌العاشقین (ص ۲۴۶۸) و ریاض‌الشعرا (ج ۲، ص ۱۲۷۴) نقل شده است. می‌توان گفت اگرچه منتخبات آثار شاعران فوایدی دارد؛ هرگز نباید و نمی‌توان میراث شاعرانه کسی را بر اساس منتخبات داوری کرد و سنجید. در بسیاری از تذکره‌ها «فردیت» شعر و اندیشه شاعران در برابر ابیات زیبا و مثل‌واره قربانی شده؛ اما در مجموعه خیال آشکار کردن «فردیت» و خصیصه‌های سبکی و فکری شاعران معیار برکشیدن ابیات بوده است.

نقدهای اصلاحی

«نقد اصلاحی آن بخش از انتقادات ادبی است که منتقد یا استاد به قصد اصلاح و رفع نقص شعر اعمال می‌کند و صورت هنری ترو والاتری به شعر می‌دهد.»^{۴۵} در مجموعه خیال هجده مورد «نقد اصلاحی» آمده است:

عرفی: به مُلک هستی ما رو نهاده سلطانی: «بهبتر بود که می‌گفت: به غارتِ دلِ ما...» (ص ۷۷).

سنجر کاشانی: شاید به کارِ آهم آید اثر دگر: «شاید به کارِ آه نیاید اثر دگر» (ص ۱۶۲).

سنجر کاشانی: گربسپری به خاکم دیگر گیا نروید: «به جای “دیگر” اگر “انجا” می‌آورد به‌تربود» (ص ۱۶۳).

علینقی کمره‌ای: در این اندیشه کز نو کرده پیدا عاشقی، میرم / اگر بینم رقیب از کوی او ناشاد می‌آید: «بهبتر بود به جای رقیب می‌گفت: کسی» (ص ۱۹۸).

شفایی اصفهانی: مشتِ گلی که گریه من ریخت در کنار: «بهبتر بود می‌گفت: مشتِ گلی که گریه مرا در کنار ریخت» (ص ۲۵۴).

ناظم هروی: نعمت دنیا سلیم النفس را سازد حریص: «بهبتر بود چنین می‌گفت: نعمت دنیا سلیم النفس را هم ره زند» (ص ۳۵۷).

ناظم هروی: یک قطره نیست ما را خواهش ز ابر احسان: «بهبتر بود می‌گفت: با آنکه نیست ما را خواهش ز ابر احسان» (ص ۳۷۰).

اشرف مازندرانی: رفتم به سرِ سایه دیوارِ قناعت: «بهبتر بود می‌گفت: در سایه دیوارِ قناعت بنشستم» (ص ۵۶۳).

میرزا داراب بیگ جويا: گشت افزون نخوتِ شیخ از هجوم اهل شهر: «اگر می‌گفت: گشت افزون، از مریدی چند مرشد را غرور به‌تربود» (ص ۶۱۵).

شفیعی شیرازی: روز سیاه پرده آلوده دامنی ست / ممنون به رنگِ خویشم از این رنگِ چرک‌تاب: «بهبتر است چنین باشد: ممنونِ بختِ خویشم از این رنگِ چرک‌تاب» (ص ۶۳۴).

شفیعی شیرازی: آسمان دامنِ سنگی ز کواکب دارد / وای بر آن که دلش سخت تراز سندان نیست: «بهبتر بود می‌گفت: وای بر آن که سرش سخت تراز سندان نیست؛ زیرا سنگ به سر می‌خورد نه دل» (ص ۶۳۵).

۴۵. برای آگاهی بیشتر درباره «نقد اصلاحی» بنگرید به: نقد ادبی در سبک هندی، محمود فتوحی، تهران، سخن، ۱۳۸۵، صص ۹۲-۹۷.

شفیعی شیرازی: کند تمتع کوکوز بیضه فولاد: «بهتر بود می‌گفت: توقع» (ص ۶۴۱).

شفیعی شیرازی: فکنده اند به دنبال زلف خویش مرا / چو قرض دار پریشان بتان وعده خلاف: «به جای قرض دار باید می‌گفت: وام خواه» (ص ۶۴۳).

محسن تأثیر: روز و شب محکوم حکم سعد و نحس کوکبند: «اگر می‌گفت مشغول بهتر بود» (ص ۶۹۷).

محسن تأثیر: وگر نه فاش می‌گفتم که من از زندگی سیرم: «بهتر بود می‌گفت: که من از جان خود سیرم» (ص ۷۰۳).

سیدای نسفی: ز جوی آرزوی خویش تر ناکرده انگشتی: «بهتر بود می‌گفت: ز رود آرزوی خویش» (ص ۷۸۸).

آفرین لاهوری: رفتم ز دست خویش به آواز پای دوست: «اگر می‌گفت: رفتم ز دست ز آواز پای دوست بهتر بود» (ص ۸۲۳).

قصاب کاشانی: در این گلزار از این گلشن هوس باشد اگر باشد: «گلبن بهتر است» (ص ۸۴۰).

تصحیح سه خطا

شبی که قصه زلفت گذشت دانستم / که همچو حمزه در این راه بس قران دارم. «استاد نوشته‌اند: در اصل حجره؛ اما حمزه صحیح است. اشاره به قصه رموز حمزه و تلمیح به قهرمان آن: قران حبشی» (ص ۱۷۲).

تا سرزند به پای حوادث تلف شود. «در اصل: علف» (ص ۸۴۱).

تنگ در آغوش افشردن نصیب ما نشد: در اصل: آزدن. (ص ۸۴۷).

پاره‌ای کاستی‌ها و نکته‌گیری‌ها

استاد در پیشگفتار از فرهنگی مختصر در پایان کتاب سخن گفته‌اند: «توضیحاتی کوتاه و لازم بر بعضی کلمات و تعبیرات نوشته شد که در پایان کتاب به صورت الفبایی آمده.» (ص ۱۹) این فرهنگ ذیل صفحه‌ها آمده؛ اما از انتهای کتاب افتاده است.

به گمان نگارنده مقدمه کوتاه کتاب با حجم منتخبات تناسب ندارد.

در پاره‌ای داوری‌ها با عباراتی کلی و کلیشه‌ای نظیر نوشته‌های تذکره‌نگاران مواجهیم: «در غزل هم زبانش سلیس و مضمون‌هایش دل‌نشین و شعرش بر روی هم پخته و نمکین است.» (درباره قدسی مشهدی، ص ۲۷۷)؛ «شعرش نمکین و گیرا و در تصویر و تفکر قوی است.» (درباره ناصرعلی سرنیدی،

ص ۵۷۵)؛ «گفتارش شیوا و پاکیزه است» (درباره شاپور طهرانی، ص ۲۳۵)، «شعرش از وحید دلنشین تر است.» (درباره میرزا محمد باقر حسینی، ص ۴۴۴) و درباره بیدل: «شعر بیدل نمک و حالی دارد» (ص ۷۱۲). در پایان این بخش نوشته اند: «بیدل در نهایت - به تعبیر شاعره معاصر ما - پیش نرفته؛ بلکه فرورفته است» بهتر بود استاد به جای «شاعره» فروغ فرخزاد می نوشتند!

در بخش نام و نشان و نقد هر شاعر نیز عدم تناسب به چشم می آید. معرفی عرفی و فیضی و نظیری و سلیم طهرانی و کلیم همدانی و صائب و بیدل و صفاء الحق همدانی بلندتر از دیگر شاعران است و معرفی سایر سخن گویان اغلب به نیم صفحه هم نمی رسد. قصاب کاشانی (ص ۸۳۵) در ۵ سطر معرفی شده است. میرعابد متخلص به سیدای نسفی از شهر آشوب سرایان ممتاز در سبک هندی است و دیوانش از نظر اشتمال برنامه و نشان حرفه ها و صنایع ممتاز است و فراوان به مشاغل اشاره کرده؛ اما - با اینکه شهر آشوب، مضمون غزل به شمار نمی آید - اشاره ای به این ویژگی شعر او خالی از سود نبود. (ص ۷۷۱)

بایسته بود استاد سند برخی داوری هایشان را نیز به دست می دادند تا دقیقاً مشخص شود کدام سخن درباره کدام شاعر داوری شخصی ایشان است و کدام سخن، رأی تذکره نگاران و تاریخ ادبیات نویسان و ناقدان ادبی آن اعصار. درباره شوکت بخاری نوشته اند: «دیریاب بودن معانی بعضی اشعارش (یا به قول یک تذکره نویس: بی معنی بودن) دیوان او را مهجور کرده است.» (ص ۵۴۸). خواننده انتظار دارد نام این تذکره نویس را بداند. همچنین از استاد که در سبک هندی بسیار توغل کرده اند انتظار می رفت با توجه به کتاب شناسی شان مآخذ افزون تری برای آگاهی از زندگی و شناخت هر شاعر معرفی می کردند. در این باب نیز همچون مورد شماره ۴ گونه ای ناروشمندی هویدا است؛ چنانکه درباره واقف لاهوری و قتیل لاهوری و اقبال لاهوری هیچ منبعی در کتاب نمی یابیم.

مواردی دیگر

بعضی یادداشت ها و توضیحات به تکرار در کتاب آمده اند:

آخوندک تسبیح: ص ۶۸۱، ۶۹۰.

ایاغ: ص ۱۷۶، ۲۲۷.

پل صراط: ص ۲۲، ۴۹۰.

ترخنده: ص ۴۱۳، ۴۶۲، ۸۳۷.

ترکش: ص ۳۹۳، ۴۰۲، ۶۵۳، ۷۷۶.

تعویذ: ص ۱۴۲، ۲۴۷.

تمثال: ص ۶۲۵، ۷۲۶، ۷۶۳.

چار قُل: ص ۶۶۴، ۶۹۱.

خارخار: ص ۱۱۹، ۲۴۵، ۴۲۱، ۴۴۵، ۴۷۹، ۵۶۰، ۷۵۱، ۸۷۹.

- خاکه تصویر: ص ۵۷۰، ۶۱۶.
خرطنبور: ص ۳۸۴، ۵۹۵.
خیابان: ص ۳۶۸، ۸۷۸.
دخل: ص ۳۲۲، ۳۴۶، ۳۴۹، ۶۵۸.
سبیل کردن آبرو: ص ۹۶، ۱۳۸.
سموم: ص ۳۳، ۶۷، ۲۷۲، ۳۲۴.
سواد: ص ۲۵۳، ۵۱۹، ۴۴۶، ۵۵۰، ۶۵۶.
سیر: ص ۵۸۸، ۶۴۶، ۷۴۴، ۸۲۹.
شال: ص ۳۸۷، ۴۱۶.
شگون: ص ۱۶۶، ۲۸۰، ۲۹۳، ۳۸۲.
طوف: ص ۶۹، ۱۴۸، ۸۹۰.
عیبیز: ص ۱۸۳، ۶۸۸.
عیسی و سوزن: ص ۳۱۰، ۵۵۲.
فانوس خیال: ص ۵۶۱، ۵۷۲.
فراز کردن: ص ۹۲، ۲۸۲.
کاغذ ابری: ص ۶۳۴، ۶۴۷.
کلفت: ص ۵۲۲، ۶۲۵، ۷۱۴، ۷۴۰، ۷۵۵، ۸۰۰.
گلدام: ص ۳۸۷، ۴۳۸، ۶۱۹.
گلگون و شبدیز: ص ۱۷۹، ۸۱۱.
لای خواز: ص ۱۸۳، ۴۲۰.
محیط: ص ۳۴۸، ۳۹۱، ۶۳۱، ۷۲۴، ۷۵۵، ۷۶۹.
مرغ قبله نما: ص ۶۶۹، ۶۸۷.
نبتاش: ص ۷۳۴، ۷۳۶.
نزاکت: ص ۱۶۷، ۳۰۰، ۳۶۸، ۶۰۸.
نشوه: ص ۳۴، ۸۰، ۳۶۵، ۵۱۳، ۶۵۴، ۶۷۰، ۷۴۶، ۷۶۶، ۷۹۲، ۸۲۴، ۸۳۲.
وبال: ص ۲۶، ۱۰۳، ۱۱۸، ۲۴۶، ۴۳۴، ۴۷۹، ۷۵۶.
هما و استخوان: ص ۲۳، ۳۷، ۲۳۶، ۳۳۶، ۴۸۰، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲، ۷۹۷.
یاقوت و آتش: ص ۴۵، ۳۹۱، ۷۵۶، ۷۶۶.
کتاب صفحه آرایبی و نسخه پردازی مناسبی ندارد.
در پانویس ص ۲۲: «که» اضافه است.
ص ۲۳: کلمه «وبال» به صورت «و بال» آمده است.

- ص ۱۹۷: «چراگه» به صورت «چراگه».
- ص ۳۶: «نخل خرامان» به صورت «نخل حرامان».
- ص ۵۸۰: «ما در» به صورت «مادر».
- ص ۱۰۴: «نَبَرْد» به خطا «نَبَرْد» آمده است.
- ص ۱۴۱ و ص ۱۶۷: «میان» و «ریحان» با تنوین آمده است: «میان» و «ریحان».
- ص ۲۵۷: «خون بهای» به صورت «خونب های» آمده است.
- ص ۶۳۴: «بانویس: زود چرک را نشان بدهد.» صورت صحیح فعل «ندهد» است.
- ص ۸۹: «تابوتم این» نادرست است و «تابوتم ای» صحیح است.

بیت:

از آن آهوی معنی می‌چرد در وادی مسستی که کشت زهرناک از وادی ادراک می‌روید

یک بار در صفحه ۷۸ به صورت تک بیت آمده و بار دیگر در صفحه ۹۳ همراه دو بیت دیگر.

ص ۱۲۴: دو بیت از یک غزل جدای از هم آمده است.

ص ۱۷۰: مصراع نخست بیت اول به این صورت آمده: «زین مکتب وجود به تحقیقی آمدن» صورت صحیح چنین است: «زین مکتب وجود به تحقیق آمدم».

ص ۸۵۷: «دیوان سیرصحات»: «دیوان سیرضخامت» (به معنی حجیم) صحیح است.

ص ۸۹۴ نام دیوان صفاءالحق خواب در خم قلاب است که در خم قلاب نوشته‌اند.

کتابنامه

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. آتشکده آذر (نیمه اول)، با مقدمه و فهرست و تعلیقات جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- آزاد بلگرامی، غلامعلی. خزانه عامره، بمبئی، نول کشور، ۱۲۷۱ ق.
- اسکندربیک ترکمان. عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد. عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- بابافغانی شیرازی. دیوان بابافغانی شیرازی، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۱۶.
- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران (از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر)، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۵۷، جلد ۴.
- تربیت، محمدعلی. «صائب تبریزی»، گنجینه معارف، اول حوت ۱۳۰۱، شماره های ۳-۵.
- حزین لاهیجی. تذکره المعاصرین، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: معصومه سالک، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
- حسین قلی خان عظیم آبادی، تذکره نشتر عشق، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۱، جلد اول.
- رحمعلی خان ایمان. منتخب اللطائف، تصحیح و توضیح: حسین علیزاده و مهدی علیزاده، تهران، طهوری، ۱۳۸۶.
- رضاقلیخان هدایت. مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، جلد دوم.
- زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- سام میرزا صفوی. تحفه سامی، تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹.
- سراج الدین علی خان (آرزو)، تذکره مجمع النفاس، به کوشش مهنور محمدخان، با همکاری زینب النساء علی خان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، جلد دوم، ۱۳۸۵ شمسی / ۱۴۲۷ قمری.
- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- صائب تبریزی. دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- صادقی کتابدار. مجمع الخواص، ترجمه عبدالرسول خیامپور، تبریز، چاپخانه اختر شمال، ۱۳۲۷.
- عبدالباقی نهاوندی. مآثر رحیمی، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته، ۱۰۲۵ ق / ۱۹۳۱ م، جلد سوم.
- عبدی بیگ شیرازی. نکلماه الاخبار، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
- عرفان، محمود. «منتخبات صائب»، آینده، سال اول، شماره دوازدهم، مهر ۱۳۰۵.
- فتوحی، محمود. نقد ادبی در سبک هندی، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- بلاغت تصویر، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
- «سبک هندی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، جلد سوم.
- «نقش حلقه ادبی برهان پور هند در دگرگونی شعر فارسی در آغاز قرن یازدهم هجری قمری»، ایران نامگ، سال سی ام، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴.
- «مصرع برجسته: میدان نازک اندیشی در سبک هندی»، نامه فرهنگستان (ویژه شبه قاره)، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶.
- فیگوئروا، گارسید سیلوا. سفرنامه دن گارسید سیلوا فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- قهرمان، محمد. خلوت خیال (غزلیات و ابیات برگزیده مولانا صائب تبریزی)، تهران، انتشارات شاهنامه پژوهی، ۱۳۸۱.

- کریمی، امیربانو، «صائب و پدرم امیری فیروزکوهی»، فرهنگ اصفهان، آبان ۱۳۸۱.
- کمالی، حیدرعلی. منتخبات اشعار صائب تبریزی، تهران، مطبوعه کل قشون، به مباحث کتابخانه شرق، ۱۳۰۵ / تهران، کلاله خاور، ۱۳۰۵.
- گلچین معانی، احمد. کاروان هند، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- مایل هروی، نجیب. «با کاروان هند از کاروان هند»، آینه پژوهش، دوره سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۷۱.
- محسن تأثیر تبریزی، دیوان محسن تأثیر، تصحیح امین پاشا جلالی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- محمد افضل سرخوش. کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، لاهور، ۱۹۴۲ م.
- محمد قدرت الله گوپاموی. نتایج الافکار، به کوشش اردشیر خاضع، بمبئی، چاپخانه سلطنتی، ۱۳۳۶.
- محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه). تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۴.
- ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی. تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، ۱۳۴۰.
- میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی. تذکره نصرآبادی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، چاپخانه ارمغان، ۱۳۱۷.
- نظیری نیشابوری. دیوان نظیری نیشابوری، با مقابله و تصحیح و تنظیم و جمع و تدوین مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر و زوار، ۱۳۴۰.
- نعمت خان عالی شیرازی، دیوان نعمت خان عالی شیرازی، مطبع منشی نول کشور، ۱۸۸۱ م. (چاپ سنگی).
- نواب صدیق حسن خان. تذکره شمع انجمن، به اهتمام مولوی محمد عبدالمجید خان، بهوپال، مطبوعه شاهجهانی، ۱۲۹۲ ق.
- واله داغستانی، علی قلی. تذکره ریاض الشعراء، مقدمه، تصحیح و تحقیق: سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.